



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
 چهارشنبه ۷ بهمن ۱۳۷۷ - ۲۷ ژانویه ۱۹۹۹ - دوره سوم - شماره ۲۰۰  
 KAR. No. 200 Wednesday 27. Jan. 1999

## مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۲۰۰ - چهارشنبه ۷ بهمن ۱۳۷۷

**سرمقاله**

سروته این جنایات را نمی توان به هم آورد



**یادداشت**

خطر همچنان آزادیخواهان را تهدید می کند



کمیته تحقیق قتلها با قاتلان هم زبان شد



هزاران نفر از مردم با فریاد ((سازش پشت پرده؛ خیانت، خیانت!))  
 خواستار دادخواهی شدند



در بزرگترین تظاهرات خارج از کشور در سالهای اخیر  
 معرفی و مجازات قاتلین آزادیخواهان ایران در خواست شد



آقای رفسنجانی  
 تلاش شما عبث است



اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
 خطر سرپوش گذاشتن بر حقایق قتلها!



با کار تماس بگیرید



## سرمقاله

## سروته این جنایات را نمی‌توان به هم آورد

جامعه ملتهب ایران که در پی قتل‌های سیاسی تکانه‌دهنده اخیر و پیامدها و افشاگری‌های پس از آن مشتاقانه در انتظار اعلام نام فتوا دهندگان، طراحان، سازمانگران و مجریان ترورها بودند، با انتشار اطلاعیه کمیته تحقیق رئیس جمهور و سخنان دادستان نظامی تهران دچار بهت و خشم شده است. بهت از آنرو که چرا رئیس جمهور فرصت بدست آمده برای مقابله با جناح راست را چنین رایگان از کف می‌نهد، و خشم به این دلیل که تروریسم حکومتی علیه انسان‌های آزادیخواه از زیر ضرب خارج می‌شود و دستگاه ترور حکومت دست نخورده باقی می‌ماند.

از ماهها پیش از آغاز عملیات ترور، دگراندیشان، آزادیخواهان غیر حکومتی نگران آن بودند که تدارک تبلیغی و سیاسی ترور توسط باندهای وابسته به حکومت به مرحله اقدام فرا برود. آنها برای این نگرانی و هشدار دهی صرفاً متکی به ارزیابی خود از حکومت ترور و اعمال گذشته آن نبودند، بلکه وعده گردن‌زدن و زبان بریدن را از زبان فرمانده سپاه رژیم می‌شنیدند، با تلفن‌ها و احضارهای متعدد روبرو بودند، تهدیدهای لفظی و کتبی روزنامه‌های ارتجاع حاکم، بسیاری از ائمه جمعه، رئیس قوه قضائیه و حتی شخص ولی فقیه را می‌دیدند و اینجا و آنجا زیر ضربات چماق و چاقوی انصار حزب‌الله قرار می‌گرفتند. زمانی هم که ماشین جهنمی ترورها به راه افتاد، بخش وسیعی از مردم هم‌آوا با جامعه روشنفکری کشور، بلافاصله انگشت اتهام را به درستی به سوی اطلاعات‌چی‌ها و حکومتیان نشانه گرفتند. اما موضوع زمانی ابعاد فوق‌العاده گسترده‌ای یافت که اصلاح‌طلبان حکومتی نیز به جبهه‌ای پیوستند که بر پرچم آن این چند کلمه نوشته شده است: ریشه ترورها در خود حکومت است. بدینسان بود که معرفی فتوا دهندگان، سازمانگران و مجریان قتل‌ها به یک خواست عمومی و ملی تبدیل شد و برای نخستین بار در بیست سال گذشته، مهمترین ارگان حافظ امنیت نظام ایدئولوژیک حاکم با بی‌اعتباری بزرگی روبرو گردید و ضربه سنگینی بر سیستم حکومتی ولایت فقیه فرود آمد. طنین شعار ((مرگ بر استبداد!)) و ((زنده باد آزادی!)) به دفعات طی هفته‌های اخیر در خیابان‌های تهران نشان از این واقعیت بود. مردم پس از یکسال و نیم از برآمد دوم خرداد، از زبان آقای خاتمی شنیدند که گفت: برای حراست از قانون تا به آخر خواهد رفت و حقیقت را قربانی هیچ چیز - و منطقاً مصالح ایدئولوژیک قدرت حاکم - نخواهد کرد. مردم آماده برای تحقق این وعده، آماده آن بودند که دولتمردانی را که از قتل‌ها بعنوان جنایات‌های نفرت‌انگیز نام بردند و نقطه پایان نهادن بر آدمکشی آدمکشان را در هر مقام و موضعی که باشند تعهد کردند، با تمام وجود یاری برسانند و در این بستر مناسب پدید آمده تعرض ارتجاع حاکم را با ضد تعرض شکننده پاسخ دهند. اما اکنون آقای خاتمی بار دیگر با دست زدن به عقب‌نشینی مطلقاً غیر قابل توجیه، فضای بهت را در میان مردم امیدوار پدید آورده است. مردم می‌پرسند که چرا رئیس جمهور با خامنه‌ای و رفسنجانی به توافق رسید که سروته قضیه قتل‌ها به نوعی هم آورده شود؟ در اطلاعیه آخر کمیته تحقیق رئیس جمهور، دیگر صحبت از حتی عده‌ای از ماموران وزارت اطلاعات نیست، بلکه تنها از تعدادی افراد منحرف در این دستگاه مخوف سخن می‌رود!

اما مردم، چنین لاپوشانی ناشیانه و انزجار برانگیز را بر هیچکس نخواهند بخشید. این مردم آن اندازه هشیار هستند که از آقای رئیس جمهور بپرسند که اگر قرار بر آن بود تا نقشه آقای رفسنجانی به اجرا درآید و فتیله‌ها به اصطلاح پائین کشیده شود، دیگر آن وعده‌های امید بخش چرا؟ این مردم، حقیقت را خوب می‌فهمند و جای شگفتی هم ندارد که شناخت آنها از حقیقت امر در هشدارهای تظاهرکنندگان در تهران چنین بازتاب می‌یابد:

**((سازش پشت پرده؛ خیانت، خیانت!))**

خشم مردم از اطلاعیه کمیته تحقیق در آن است که انتشار دهندگان آن چنین غیر مسئولانه دست آمران اصلی جنایت را می‌شویند و راه را برای جنایتهای بعدی باز می‌گذارند و هم از اینرو، عملاً خود را در جنایتهایی که دیگران مرتکب نشده‌اند، شریک می‌سازند. جنایتهایی که بیست سال است تکرار می‌شود و هرگاه ماشین تروریسم حکومتی از کار نیفتد، باز هم تکرار خواهد شد. جنایتهایی که اگر در وهله نخست قربانیان آن از دگراندیشان و غیر حکومتی‌ها چنین بازتاب می‌یابد: ((سازش پشت‌پرده، خیانت، خیانت!)).

خشم مردم از اطلاعیه کمیته‌بوده و هست، در ادامه دامن ((خودی))ها را هم خواهد گرفت، کما اینکه مواردی از آنرا در سالهای گذشته شاهد بوده‌ایم.

باز هم می‌گوییم که مردم تصمیم خود را گرفته‌اند و راستگرایان فوق ارتجاعی حاکم نیز. مردم از پای نخواهند نشست. ظرفیت فراهم آمده طی روندهای پیش از دوم خرداد و موج رها شده پس از آن، نه رو به کاهش و مهار که رو به افزایش و بال‌گشایی بیشتر است.

جناح قدرتمدار نوب در ولایت فقیه نیز بر تصمیم خود استوار است. تصمیمی که موقعیت آن در قدرت و حفظ قدرت به هر قیمت ناشی می‌شود. هیچکس نباید تردید کند که: صاحبان اصلی قدرت در نظام ولایت فقیه، به چیزی کمتر از ادامه انحصار حکومت رضایت ندارند. تصمیم اصلی در لحظه کنونی با اصلاح‌طلبان حکومتی و

بویژه شخص آقای خاتمی است که تاریخ او را در موقعیت بسیار خطیری قرار داده است. مردم و همه آنان که با پیچیدگی‌ها، ظرایف و امکانات روند دشوار مبارزه در راه آزادی و دموکراسی در ایران آشنا هستند، خواهان آنند که رئیس جمهور به نیروی مردم تکیه کند و تعرضات ارتجاع حاکم را خنثی کرده و با تعرضات متقابل، آنان را گام به گام عقب بنشانند. مردم، برای تغییر وضع کنونی مصمم‌اند و تصمیم خود را پیش خواهند برد، چه با بخشی از حکومتگران، چه بدون آنان.

## یادداشت

### خطر همچنان آزادیخواهان را تهدید می‌کند

سران جمهوری اسلامی، وانمود می‌کنند که با اعلام دستگیری قاتلان فروورها، مختاری و پوینده، جامعه امن و امان شده است و دیگر خطری جان روشنفکران و آزادیخواهان را تهدید نمی‌کند. اما از ایران کماکان اخبار نگران‌کننده‌ای می‌رسد. جنایت‌کاران می‌خواسته‌اند سیمین بهبهانی شاعره پرآوازه ایران را بکشند، گروهی جنایت‌کار به نام فدائیان اسلام ناب محمدی، آشکارا به تهدید مخالفان پرداخته‌اند و دکتر پیمان، اکبر گنجی و رضا علیشاهی، را آشکارا تهدید به قتل کرده‌اند. قتل‌هایی صورت می‌گیرد که رژیم اصرار دارد انگیزه آنها را سرقت یا پمسائل اخلاقی پ قلمداد نماید. اما آنچه در ارتباط با این قتل‌ها (از جمله قتل همسر یک مترجم در پونک تهران، دو مورد قتل دیگر در تهران و قتل دو پزشک) جلب نظر می‌کند، این است که قربانیان آن از اقشاری هستند که اکثریت آنها یا با رژیم مخالفند یا لاقط طرفدار رژیم نیستند. در هفته‌های گذشته در تبریز اخباری در مورد آدم‌ربایی و قتل در این شهر منتشر شد. حد نگرانی مردم تبریز از این اخبار چنان بود که نیروی انتظامی ناگزیر از صدور اعلامیه و سعی در آرام کردن مردم شد.

به نوشته روزنامه خرداد، برخی از عوامل قتل‌های اخیر دستگیر نشده‌اند. دادستان نظامی تهران گفته است برخی از متهمان پرونده فروورها، مختاری و پوینده به قید ضمانت آزاد شده‌اند. در کجای دنیا متهم به قتل را به قید ضمانت آزاد می‌کنند؟ همین مقام رژیم تاکید کرده است که پرونده جاری، تنها چهار قتل را در بر می‌گیرد. ما نیز همراه با روزنامه خرداد می‌پرسیم پس تکلیف مرگ مجید شریف و مفقودالاشرف شدن پیروز دوانی چه می‌شود؟ این نکته نیز بر نگرانی‌ها می‌افزاید که دادستان نظامی تهران، متهمان قتل‌های اخیر را به مجریان، مباشران و معاونان تقسیم کرده و افزوده است معاونان قتل (که طبق تعریف او دستوردهندگان جنایت از این زمره‌اند) به سه تا پانزده سال زندان محکوم خواهند شد. این حرف مقام قضایی حکومتی است که ده‌ها هزار نفر را صرفاً به جرم عضویت در یک گروه مخالف اعدام کرده است.

همه این نشانه‌ها، حاکی از آن است که ریشه این جنایات قطع نشده است و شبکه‌های ترور وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی دست نخورده‌اند. تا وقتی چنین است، خطر همچنان جان آزادیخواهان و روشنفکران ایران را تهدید می‌کند. امنیتی که آقای خاتمی وعده داده است، تنها وقتی برقرار می‌شود که همه جنایتکاران، از چاقوکشان و آدم‌کشان گرفته تا کسانی که به آنها دستور می‌دهند، افشا و دستگیر شده، در یک محاکمه علنی پاسخگوی جنایات خود باشند. امنیت واقعی منوط به پیگیری همه جنایات دستگاه ترور جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور و نه فقط چهار قتل اخیر است.

در ارتباط با قتل‌های مشکوک اخیر، اخبار زیادی از ایران به دست ما می‌رسد که نه تنها ما، بلکه نه مردم ایران و نه مطبوعات و افکار عمومی کشور ما امکان پی بردن به صحت و سقم آنها را ندارند. مسئولیت این بی‌اطلاعی و در پرده راز ماندن بسیاری حقایق، بر عهده رژیمی است که در علنیت، زوال و مرگ خود را می‌بیند. این گونه اخبار در رژیمی که دستگاه اطلاعاتی‌اش خود عامل شماره یک ناامنی است، از اطلاعات فوق سری حکومتی است.

ما مصرانه خواهان آن هستیم که به تهدید و ناامنی نسبت به روشنفکران، نویسندگان، دانشجویان و مخالفین رژیم پایان داده شود و دستگیری و محاکمه عوامل قتل‌های اخیر را نخستین گام در این جهت می‌دانیم.

## کمیته تحقیق قتل‌ها با قاتلان هم‌زبان شد

**روزنامه خرداد: از اطلاعیه کمیته تحقیق بوی مشمئزکننده داد و ستد می‌آید  
پیش از صدور اطلاعیه دوم کمیته، رهبران حکومت جلسه فوق‌العاده تشکیل دادند**

کمیته تحقیق قتل‌های اخیر که پیوسته بر پی‌گیری پرونده قتل‌ها تا رسیدن به نتیجه نهایی تاکید داشت، روز یکشنبه گذشته در پی سخنان حسینیان، رییس مرکز اسناد انقلاب اسلامی از شبکه اول صدا و سیما، که قتل‌ها را به جناح خاتمی نسبت داد، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد سازمان‌دهی و اجرای قتل‌های اخیر محفلی بوده و هیچ کدام از جناح‌های سیاسی در آن دخالت نداشتند.

حجت‌الاسلام حسینیان عضو دادگاه ویژه روحانیت و رییس مرکز اسناد انقلاب اسلامی، هفته گذشته در مصاحبه با کیهان و برنامه تلویزیونی ((چراغ)) قتل‌ها را به جناح خاتمی نسبت داد و یکی از افراد این جناح در وزارت اطلاعات را عامل اصلی این قتل‌ها خواند.

در پی پخش برنامه ((چراغ)) درگیری دو جناح به درون هیات دولت و محل اقامت خامنه‌ای کشیده شد. علی لاریجانی سرپرست صدا و سیما که منصوب خامنه‌ای است، از جلسات هیات دولت اخراج شد و شایعه تلاش احمد جنتی برای جلب پشتیبانی اعضای حوزه علمیه قم از عدم کفایت سیاسی خاتمی در مجلس قوت گرفت. سرانجام با پادرمیانی اعضای حوزه علمیه و هاشمی رفسنجانی جلسه فوق‌العاده‌ای با حضور خامنه‌ای، رفسنجانی، خاتمی، ناطق نوری، روحانی، علی ربیعی دبیر کمیته تحقیق و شورای امنیت ملی، دري نجف‌آبادی وزیر اطلاعات و محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت، رحیم‌صفوی فرمانده سپاه پاسداران تشکیل شد و توافق شد کمیته تحقیق، با صدور اطلاعیه‌ای از نسبت دادن کشتار نویسندگان و آزادی‌خواهان ایران به جناح‌ها و نهادهای حکومتی جلوگیری کند و نگذارد وزارت اطلاعات لطمه بیشتری بخورد.

بر اساس توافقات این جلسه، کمیته تحقیق در اطلاعیه دوم خود که روز یکشنبه منتشر شد، نوشت: ((تصمیم‌گیری افرادی که قتل‌ها را سامان‌دهی و اجرا کرده‌اند، به صورت محفلی بوده و تحقیقات عمیق حاکی از آن است که هیچ کدام از گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در این کار به هیچ عنوان دخالت نداشته‌اند)). در این اطلاعیه در حمایت از وزارت اطلاعات آمده است: ((متأسفانه در برخی روزنامه‌ها، به طور ناصحیح به اسامی برخی مدیران وزارت اطلاعات به عنوان مظنون اشاره شده است که عاری از صحت بوده و مورد پیگرد قانونی نیز خواهد بود)).

کمیته تحقیق که در بدو تشکیل خود، نقش موثری در افشای دخالت عوامل وزارت اطلاعات در قتل‌ها داشت و گزارش آن به اعتراف وزارت اطلاعات منجر شد، بعد از ظهور حسینیان در برنامه ((چراغ))، آشکارا به هم‌دستی با دستوردهندگان و مجریان قتل‌ها کشیده شد.

روزنامه‌های جناح چپ حکومت و طرفدار دولت نارضایتی شدیدی خود را از اطلاعیه دوم کمیته تحقیق با انتشار مقالات و نظرخواهی‌هایی بروز دادند. داوود محمدی روزنامه‌نگار، به روزنامه خرداد گفته است: بوی مشمئزکننده معامله تندتر از آن است که از شامه تیز افکار عمومی پنهان بماند. محسن کدیور به روزنامه صبح امروز گفته است: کتمان حقیقت حرام شرعی است. کمیته تحقیق باید جز حقیقت نگوید و باید تمام حقیقت را بگوید.

## در همایش بر سر مزار محمد مختاری و محمدجعفر پوینده

**هزاران نفر از مردم با فریاد ((سازش پشت پرده؛ خیانت، خیانت!!))  
خواستار دادخواهی شدند**

در دو گردهمایی بزرگ و انبوه در یادبود محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، در مراسم چند هزار نفری یادبود مهندس بازرگان و در تظاهرات بزرگ دانشجویان دانشگاه تهران، یک خواست واحد طنین‌افکن بود: مجازات دستوردهندگان و عاملین جنایات اخیر در تهران!

هزاران نفر از مردم تهران در مراسم چهلمین روز قتل دو تن از اعضای کانون نویسندگان ایران، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، قربانیان جنایات وحشیانه اخیر که به دست عوامل جمهوری اسلامی به قتل رسیدند، شرکت کردند. این مراسم روز جمعه گذشته در مهرشهر کرج، بر مزار این دو هنرمند برجسته برگزار شد و با استقبال گسترده مردم، به یک همایش اعتراضی بزرگ تبدیل شد. در این مراسم هوشنگ گلشیری سخنرانی کرد و خواستار رسیدگی جدی به پرونده این جنایات هولناک گردید. گلشیری، مسئولین دولتی را به پیگیری مطالبات

خانواده‌های قربانیان این جنایات دعوت کرد. وی در سخنرانی خود تاکید کرد مردم ایران و جامعه روشنفکری کشور تا دستیابی به حقیقت پرونده قتل‌ها، از پای نخواهند نشست. وی اطلاعیه دوم کمیته تحقیق در مورد ((محفلی بودن)) شبکه قاتلان را مردود دانست و گفت اعضای کانون نویسندگان ایران کماکان در خطر مرگ قرار دارند. گلشیری گفت اعضای کانون نویسندگان طی هفته‌های اخیر از سوی کانون‌های خشونت که وابسته به حکومت هستند تهدید به قتل شده‌اند. وی خطاب به مسئولین دولتی گفت اگر در پیگیری پرونده قتل‌ها و معرفی عاملین و آمرین این جنایات به جامعه کوتاهی شود، ناامنی در کشور رو به اوج خواهد گذاشت و بدفکران با دست بازتری به اقدامات ضدانسانی خود ادامه خواهند داد.

سایر سخنرانان این مراسم نیز در سخنان خود یادآور شدند راه یاران خود را تا آخر ادامه خواهند داد و تصمیم دارند تا تحقق آزادی عقیده، قلم و بیان در کشور، از پای ننشینند. ده‌ها هزار شرکت کننده در این گردهمایی با فریاد یکپارچه ((سازش پشت پرده؛ خیانت، خیانت!!))، نارضایتی و خشم خود را از اطلاعیه کمیته تحقیق ریاست‌جمهوری نشان دادند و خواهان پیگیری قتل‌ها و معرفی قاتلین شدند.

یکی از کسانی که در این تظاهرات حضور داشت، به ((کار)) گفت: در جریان برگزاری این همایش، جمعی از اوباش حزب‌الله که زیر پوشش حمایتی نیروهای انتظامی قرار داشتند، با حمله وحشیانه به مردم، چند نفر را مجروح کردند. در طول این مراسم اوباش حزب‌الله بارها به مردم حمله کردند و هر بار با شعارهای محکم‌تر و پرتن‌تر جمعیت مواجه شدند. به گفته این شاهد، نیروهای انتظامی هیچ واکنشی در برابر حمله اوباش حزب‌الله به جمعیت نشان نمی‌دادند.

### اوباش حزب‌الله مراسم یادبود روز شنبه را بر هم زدند

روز شنبه گذشته مراسم دیگری در یکی از مساجد تهران به یاد محمد مختاری و محمدجعفر پوینده برگزار شد که در آن نزدیک به هشت هزار نفر شرکت کردند. در این مراسم یادبود، زندگی‌نامه مختاری و پوینده در بین حاضران توزیع شد و نمایشگاهی از کتاب‌های آنان دایر گردید. همه محوطه مسجد مملو از جمعیت بود و گروه انبوهی از مردم که نتوانسته بودند در مسجد حضور یابند، در بیرون آن اجتماع کردند. از سوی دولت و آقای خاتمی هیچ نماینده‌ای برای همدردی با خانواده قربانیان جنایات حضور نیافت.

این گردهمایی نیز مورد حمله اوباش حزب‌الله قرار گرفت و شدت درگیری به حدی رسید که مراسم برهم خورد. بنا بر گزارش‌های رسیده از ایران، نیروهای انتظامی هیچ حمایتی از مردم در قبال حملات اوباش حزب‌الله نکردند. همین گزارش‌ها حاکی از آن است که در این روز ده نفر از شرکت‌کنندگان در مراسم یادبود، دستگیر شدند. حضور هزاران نفر از مردم در آیین‌های بزرگداشت محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، مراسم چند هزار نفری به یاد مهندس مهدی بازرگان و تظاهرات اخیر دانشجویان در دانشگاه تهران، یک خواست واحد داشت: عاملان و دستور دهندگان قتل‌های اخیر باید به پیشگاه مردم معرفی شوند و به مجازات برسند. مردم هیچ کوتاهی در این زمینه را نخواهند پذیرفت.

**گرامی باد**  
**بیست و هشت سال بیکار فدائیان خلق**  
**در راه صلح، آزادی، دمکراسی و سوسیالیسم**

## در بزرگترین تظاهرات خارج از کشور در سالهای اخیر معرفی و مجازات قاتلین آزادیخواهان ایران در خواست شد

روز شنبه گذشته، در بزرگترین تظاهرات ایرانیان خارج از کشور که در شهر هانور آلمان برگزار شد، بیش از هزار نفر شرکت کرده و خواهان معرفی و مجازات قاتلین نویسندگان و روشنفکران ایرانی شدند. این تظاهرات به دعوت کانون نویسندگان ایران در تبعید برپا شد و مورد پشتیبانی گسترده و وسیع سازمانها و احزاب سیاسی چپ و کانونها و نهادهای دموکراتیک قرار گرفت. خیابان مرکزی شهر هانور، که محل برگزاری تظاهرات ایرانیان بود، از جمعیت موج میزد و شعارهای پرتینینی که به زبانهای فارسی و آلمانی داده می شد، حکایت از خواست مردم ایران برای ریشهکن کردن ترور و جنایت در ایران داشت. در این تظاهرات بسیاری از هنرمندان و نویسندگان در تبعید، همراه با فعالین سیاسی چپ و دموکرات شرکت داشتند. کامبیز روستا، یکی از اعضای تریبونال بین المللی برای رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی، در این تظاهرات سخنرانی کرد. نماینده ((امنستی انترنشنال))، با شرکت در این گردهمایی، پشتیبانی سازمانهای جهانی حقوق بشر را از خواستهای مردم ایران مبنی بر معرفی و محاکمه آمران و عاملان جنایات اخیر اعلام کرد. نماینده حزب سبزهای آلمان نیز با حضور در این مراسم، همبستگی حزب خود را با مردم ایران اعلام داشت و سخنرانی کوتاهی ایراد کرد.

در قطعنامه پایانی این گردهمایی، ضمن محکوم کردن توافرها و تلاشهایی که برای پنهان نگاه داشتن عاملان کشتار نویسندگان و آزادیخواهان ایران صورت میگیرد، تاکید شده است که شرکتکنندگان در این گردهمایی جمهوری اسلامی را در تمامیت خود مسئول این قتلها می شناسند، خواهان اعزام یک هیات تحقیق بین المللی به ایران هستند، قطع حمایتهای ملی و سیاسی اتحادیه اروپا از جمهوری اسلامی را طلب می کنند، خواهان پیگیری احکام دادگاه میکونوس هستند و از تشکیل یک دادگاه بین المللی برای رسیدگی به تمامی جنایات جمهوری اسلامی در بیست سال حاکمیتش، حمایت کردند.

### اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۹۹ از این تظاهرات حمایت کرد و طی اطلاعیهای نوشت:

((ما از فراخوان کانون نویسندگان استقبال کرده و همه ایرانیان آزادیخواهان را فرا میخوانیم در اعتراض سراسری سراسری روز ۲۳ ژانویه شرکت کرده و خواستههای زیر را مطرح کنند:

- معرفی و محاکمه مجریان، سازمانگران و طراحان قتلها
- معرفی شبکههای ترور
- تشکیل هیات تحقیق بین المللی جهت شرکت در جریان تحقیق قتلها

### آقای رفسنجانی تلاش شما عبث است

#### مردم نمیگذارند شما با پایین کشیدن ((فتیلهها)) خون شهادی اخیر جنبش آزادیخواهی را پایمال کنید

این روزها در گفتار و رفتار آن دسته از بالاترین مقامات حکومتی که رویدادهای پس از دوم خرداد ۷۶ به تقویت موقعیتشان نیانجامیده است، نشانگان خاصی که شاید بتوان آنرا ((هراس از آینده)) نام نهاد، به شاخصترین شکل مشهود است.

سخنان خامنه ای در مراسم افطار سه شنبه ۲۲ دی و خطبههای رفسنجانی در نماز جمعه پیشین تهران و هشدارهای آیت الله امینی در نماز جمعهی این هفته قم، به عریانترین شکل این خودباختگی را بازتاب می دهد. به یکی از این نمونهها بپردازیم. رفسنجانی در نماز جمعه دو هفته پیش تهران در ارتباط با بحثهای پیش آمده در جامعه در مورد ترور زنده یادان پروانه و داریوش فروهر، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده از تمامی جناحهای سیاسی خواست تا ((فتیلهی بحثها را پایین کشند و اجازه دهند این پرونده در مسیر طبیعی خود پیش رود.))

البته وی در ادامه اطمینان داد که ((تصمیم نظام از صدر تا ذیل مسوولان این است که پرونده قتلها پیگیری و ریشه یابی شود و عاملان این تفکر در جامعه ریشه کن گردند)) و آن را یک ((تصمیم بی برگشت)) نامید. اما گزارشهای معینی حاکی است در جلسهای که باشکرت گروهی از سران رژیم به شمول رفسنجانی در روزهای

قبل از صدور اطلاعیه‌ی اخیر وزارت اطلاعات، به‌منظور چاره‌اندیشی برگزار شده بود، رفسنجانی از جمله کسانی بوده است که خواهان پایان دادن به قضیه از طریق انداختن تقصیر قتل‌ها به گردن چند قاچاقچی و اعدام آن‌ها به منظور حفظ آبروی نظام بوده‌اند.

رفسنجانی در سخنانش اذعان کرد که با افشا شدن نقش ماموران امنیتی در عملیات ترور، رژیم از این قتل‌ها زیان دیده و امنیتش ((مخدوش)) شده و ((حیثیت جهانی)) آن آسیب دیده است، چنان‌که ((دشمنان)) زبان درآورده‌اند و ((ضد انقلاب خفه شده)) به‌تعبیر او اکنون هل من مبارز می‌طلبد.

رفسنجانی در ادامه بدون آنکه کوچکترین اشاره‌ای به پیگیری مسئله قتل‌ها به عنوان یک حق ملی داشته باشد، از موضع ((مصلحت‌اندیشی)) برای نظام و کارگزاران آن از جناح‌های اصلی حکومتی خواست که ((در خصوص قتل‌های اخیر یکدیگر را متهم سازند))، چرا که ((در این متهم‌سازی‌ها همه ضرر خواهند دید)) و از این به ((جان‌هم‌افتادن))، ((دشمن)) خوشحال می‌شود و ((برای زیر سوال بردن حتا اصل انقلاب، جان می‌گیرد)). او در ادامه از ((شخصیت‌ها)) خواست که از طریق مذاکره، ((ابهامات)) را برطرف کنند.

سه مشخصه عمده در سخنان رفسنجانی و دیگرانی که چون او بیم از آینده جانشان را می‌کاهد، به‌خوبی عیان است:

### ۱- تحقیر مخالفان:

رفسنجانی در این سخنان از ((ضدانقلاب خفه‌شده)) نام برد. خامنه‌ئی هم در سخنان مشابهی پیش از این از فروهرها به‌عنوان افراد غیر موثر یاد کرده بود. حجت‌الاسلام فاکر نماینده‌ی مجلس رژیم از مشهد نیز اخیراً گفته است: ((دو سه نفر افرادی را که نه سر پیازند و نه ته آن کشتند تا سپس به وسیله آن‌ها همه ما را نابود کنند))

### ۲- دعوت به وحدت خودی‌ها:

رفسنجانی از ((شخصیت‌ها)) خواست که از طریق مذاکره ((ابهامات)) پرونده‌های قتل را برطرف کنند. خامنه‌ای در یکی از سخنرانی‌هایش اصرار می‌کرد که سران سه‌قوه مداوم در پشت سر یکدیگر از هم تعریف می‌کنند و متعاقباً از مسئولان درجه دو رژیم خواست که اختلافات را کنار بگذارند. امینی نیز در نمازجمعه این هفته قم سخنانی با همین مضمون را البته با ناامیدی بسیار بیشتر تکرار کرد.

### ۳- اصرار بر توافق در پشت درهای بسته:

رفسنجانی و امثال او از این بیم دارند که حقایق هرچه بیشتری از خلاف‌کاری‌های سران رژیم و کارگزاران آنان برای مردم روشن شود. مجلس در یکی دو سال اخیر برخلاف قانون اساسی خود رژیم، بارها جلسه غیرعلنی برگزار و برپائی این گونه جلسات را به روال عادی خود تبدیل کرده است.

سران رژیم تعدد جلسات غیر رسمی غیر علنی خود را که به‌بهانه‌های مختلف برگزار می‌شود افزایش داده‌اند. خاتمی در بسیاری از این‌گونه جلسات شرکت می‌کند و جلسات مرتبی نیز با خامنه‌ای دارد. در میان محافل آزادی‌خواه کشور در هفته‌های اخیر این نگرانی پدید آمده است که با عقب‌نشینی‌های خاتمی در برابر خامنه‌ای، تنها چند عامل درجه چندم قتل‌ها در دادگاه‌های غیرعلنی ((محاكمه)) شوند و آمران از مجازات معاف شوند.

این محافل عدم معرفی بلافاصله دستگیرشدگان را دلیلی بر شیر شدن امثال حسینیان و جناح او در نسبت‌دادن قتل به جناح خاتمی قلمداد می‌کنند.

در هر حال مردم بی‌تابانه در انتظار آنند که عاملان و محرکان ترورهای اخیر هرچه زودتر معرفی شوند و دادگاه آنان در پیشگاه ملت برگزار شود. تا آن لحظه آنان نمی‌گذارند که ((فتیله‌ی بحث‌ها)) پایین کشیده شود. طبیعی است که دامنه این بحث‌ها تا وقتی که دقایق پرونده‌ی ترور شهدای اخیر روشن نشود، گسترش می‌یابد. تنها راهی که مردم می‌پذیرند، گفتن همه حقایق در باره این قتل‌هاست.

## اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### خطر سرپوش گذاشتن بر حقایق قتلها!

در حالی که بر همگان روشن شده است که قتل مخالفین سیاسی و نویسندگان کشور بطور سازمان یافته و طبق نقشه و برنامه صورت گرفته و دستوردهندگان قتلها در هرم قدرت سیاسی کشور جای دارند و معاونان و مدیران کل وزارت اطلاعات، عده‌ای از فرماندهان سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی در این قتلها نقش داشتند، کمیته تحقیق بطور غیرمنتظره در دومین اطلاعیه خود اعلام کرد تصمیم‌گیری افرادی که قتلها را سازماندهی و اجرا کرده‌اند، بصورت محفلی بوده و هیچ‌یک از جناحهای حکومتی در این کار به هیچ عنوان دخالت نداشته‌اند.

اطلاعاتی که تاکنون در مورد عوامل، سازمانگران و طراحان قتلها به رسانه‌های گروهی راه یافته، نشان می‌دهد که قتلها نه بصورت محفلی، بلکه طبق نقشه و برنامه معین بوده و طراحان اصلی قصد داشتند که با ایجاد ناامنی و دستاویز قرار دادن آن، وضع فوق‌العاده در کشور اعلام کنند و بلافاصله مطبوعات مستقل و منتقد را ببندند، جنبش دانشجویی را سرکوب کنند، نیروهای آزادیخواه را روانه زندانها سازند و سرانجام قوه اجرائیه را قبضه و کشور را به وضع قبل از انتخابات دوم خرداد برگردانند. این نقشه نه توسط چند مامور خودسر و وظیفه شناس وزارت اطلاعات، بلکه توسط نیرویی طراحی شده است اهرمهای اصلی قدرت را در دست دارد.

کمیته تحقیق با صدور اطلاعیه قادر نخواهد شد بر این حقایق سرپوش به‌گذارد و نقش بخشی از سرکردگان حکومت در این قتلها را پنهان سازد. ولی در عین حال این خطر وجود دارد که بر اثر سازش بین جناحهای درون حکومت تنها مجریان قتلها مجازات شوند و طراحان و سازمانگران اصلی از زیر ضرب خارج شوند. باید این نقشه را به شکست کشاند. در این راستا ما همه نیروهای آزادیخواه را فرا می‌خوانیم که در جهت تحقق خواسته‌های زیر حرکت کنند.

- معرفی و محاکمه مجریان، سازمانگران و طراحان قتلها

- معرفی شبکه‌های ترور

- تشکیل هیئت تحقیق بین‌المللی و اعمال فشار به حکومت اسلامی برای پذیرش این هیات

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۹ دی ماه ۱۳۷۷ - ۱۹ دسامبر ۱۹۹۹



## با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90

شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

آدرس کار در اینترنت : <http://www.geocities.com/CapitolHill/2902/>

آدرس پست الکترونیکی : [fadai.aksariyat@magnet.at](mailto:fadai.aksariyat@magnet.at)

**I.G.e.v** : آدرس پستی

**Postfach 260268**

**50515 Köln**

**Germany**

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان

بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک

سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

### فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید  تمدید اشتراک  شماره اشتراک :

مدت اشتراک : شش ماهه  یک ساله  تاریخ :

Name: ..... نام :

Address: ..... نشانی :

.....  
.....  
.....  
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)

به آدرس فوق پست کنید!

**I.G.e.v** : دارنده حساب

**22 44 20 32** : شماره حساب

**37 05 01 98** : کد بانک

**Stadtsparkasse** : نام بانک

**Köln**

**Germany**